

اشتغال



atiyeno.ir

یادداشت



الزامات پیشگیری

از حوادث کار



ارتقای ایمنی کار را به‌عنوان اصلی‌ترین شاخص محیط کسب‌وکار برای سلامت نیروی کار باید در چارچوب الزامات پیشگیری از حوادث شغلی جست‌وجو کرد. به این معنا که وجود و ارتقای سلامت نیروی کار در گرو امنیت محیط کار و بهبود این امنیت مستلزم رعایت الزامات و ارتقای شاخص‌های ایمنی است.

هرکدام از شاخص‌ها و عوامل مؤثر در شکل‌گیری و ارتقای ایمنی و بهداشت کار نظیر تجهیزات ایمنی، آموزش، نیروی کار، کارفرما و قوانین و مقررات، ایفای نقشی در توسعه ایمنی کارگاه، حفاظت از نیروی کار و کاهش حوادث کار برعهده دارند.

به عبارتی عوامل مرتبط با تجهیزات ایمنی، آموزش‌های دوره‌ای مربوط به این حیطه، رعایت اصول و ضوابط ایمنی توسط نیروی آموزش‌دیده، الزام و اعتنا به قوانین و ایجاد بسترهای ایمن کارگاهی توسط کارفرما و دیگر مؤلفه‌های مؤثر، در استمرار محیط کار ایمن و کاهش حوادث کار تأثیرگذارند. به این واسطه کارفرما مسئولیت اجرای قوانین ایمنی و بهداشت کار را بر دوش دارد. در غیر این‌صورت رخداد حادثه و بیماری کارگر ناشی از آسیب‌های محیط کار موجب پاسخگویی او در مراجع قانونی است.

آموزش‌های عمومی و تخصصی ایمنی نیز از الزامات و ضروریات شکل‌گیری کارگاه ایمن به‌شمار می‌روند. به همین جهت براساس آیین‌نامه مربوطه، آموزش ایمنی کارگران، کارفرمایان و کارآموزان و دستورالعمل‌های خاص باید مورد توجه باشد.

تجهیزات ایمنی شامل وسایل حفاظت فردی کارگران و سیستم‌های اعلام و اطفای حریق، سامانه‌های حفاظت از سقوط، سیستم‌های ضد تصادم و دیگر موارد مرتبط نیز عمدتاً در پیشگیری از وقوع حوادث و برخی اوقات در کاهش آسیب‌ها اثر بخشی دارند. در این ارتباط استفاده از تجهیزات استاندارد و منطبق با الزامات قانونی مورد تأکید است.

پیشگیری از حوادث کار در حوزه فعالیت مشاغل پریسک و مخاطره‌آمیز هم از دو دیدگاه نوگرایانه و کلاسیک و آکادمیک قابل بررسی است. در دیدگاه نوگرایانه باید از علوم دیگری در راستای اهداف ایمنی کارگاه‌ها و صنایع به‌ویژه از دانش و فناوری در حوزه کامپیوتر اطلاعات بهره برد.

در دیدگاه کلاسیک و آکادمیک در کارگاه‌ها و صنایع که ساختار و تشکیلات ایمنی و بهداشت کارآمدی دارند، ابتدا باید عوامل با لقوقه آسیب‌رسان را با توجه به الزامات قانونی، فهرست خطرات قابل بررسی است. شرح وظایف و عملکرد افراد، تجهیزات، حوادث مشابه، کنترل‌های ایمنی موجود و دیگر موارد شناسایی کرد و براساس اولویت‌های کنترل خطرات، اقدامات پیشگیرانه را صورت داد.

در واقع اولویت اول کنترل هشدارهای حذف خطر است. به عنوان مثال حذف جابه‌جایی دستی اجسام با به کارگیری تجهیزات مکانیکی. اولویت دوم جایگزینی به معنی استفاده از مواد یا روش‌هایی با خطر کمتر مانند استفاده از برق ۲۴ ولت به‌جای برق ۲۲۰ ولت برای روشنایی سیار محسوب می‌شود.

در صورت عدم امکان حذف یا جایگزینی می‌توان از کنترل‌های مهندسی نظیر حفاظ‌ها، سیستم ارتینگ، قفل‌های داخلی تجهیزات، عایق‌های صوتی و سیستم‌های تهویه استفاده کرد. اولویت چهارم کنترل‌های مدیریتی مانند آموزش، تدوین دستورالعمل، بازرسی ایمنی، تشویق و تنبیه و محدودیت دسترسی‌هاست. آخرین اولویت میز کنترل خطرات در قالب استفاده از تجهیزات حفاظت فردی دسته‌بندی می‌شود.

ازجمله الزامات قانونی مرتبط با بازرسی کارگاه‌ها ماده (۱۰۵) قانون کار است. ماده فوق این حق را برای بازرسان کار لحاظ کرده که اگر کارگاهی را در معرض بروز حادثه تشخیص دادند، گزارش بدهند. در این ماده آمده: «هرگاه در حین بازرسی، به تشخیص بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای احتمال وقوع حادثه و یا بروز خطر در کارگاه داده‌شود، بازرس کار یا کارشناس بهداشت حرفه‌ای مکلف هستند مراتب را فوراً و کتاباً به کارفرما یا نماینده او و نیز به رئیس مستقیم خود اطلاع دهند.» اجرای درست و کامل این ماده قانونی در حوزه بازرسی و ایمنی کارگاه‌ها مانع بروز بسیاری حوادث می‌شود، اما تعداد کم بازرسان کار از محدودیت‌های اجرای این قانون به‌شمار می‌رود. البته جدیت اجرای قوانین و مقررات موجود در بازرسی مراجع قانونی و تدوین و ابلاغ قوانین شفاف و قابل اجرای مرتبط با حوزه ایمنی محیط کار نیز بهبود وضعیت مرتبط با ایمنی کارگاه و نیروی کار را فراهم خواهد کرد.

شناسایی عوامل مؤثر بر پراکندگی شغلی در بخش‌های مختلف اقتصادی

عوامل مختلفی در توزیع اشتغال قرار دارند. شناسایی این عوامل ضمن هدایت روند اشتغال، تصمیم‌گیری آگاهانه جهت رسیدگی به نابرابری‌های منطقه‌ای و بهینه‌سازی تخصیص منابع را موجب می‌شود.

توزیع اشتغال در خدمات

گزارش جدید مرکز آمار ایران از بررسی وضعیت اشتغال در بخش‌های عمده فعالیت اقتصادی نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۲، بخش خدمات با ۵۱.۹ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. طبق این گزارش بخش‌های صنعت با ۳۳.۷ درصد و کشاورزی با ۱۴.۴ درصد در رتبه‌های بعد قرار دارند.

یکی از علل رشد کسب‌وکارهای خدماتی، کاهش ریسک ایجاد این مشاغل است و افراد با کمترین هزینه امکان راه‌اندازی مشاغل مرتبط با این بخش را دارند.

«حمید حاج اسماعیلی»، کارشناس بازار کار در این باره می‌گوید: «بیشتر افرادی که به مشاغل تولیدی گرایش دارند از دیربازده بودن، سرمایه‌گذاری بالا و محدودیت‌ها و موانع پیش‌روی تولید اطلاع دارند و تأمین نقدینگی، رقابت بازار و شرایط اقتصادی جزو این شرایط است.»

این کارشناس بازار کار اضافه می‌کند: «بسیاری از افراد با تمایل رسیدن زودهنگام به درآمدزایی، از مشکلات راه‌اندازی یک کارگاه تولیدی باخبرند. به همین دلیل و به علت نیاز به سرمایه‌گذاری پایین و ریسک کم به سمت کسب‌وکارهای خدماتی می‌روند.»

تحلیل این کارشناس از رشد اشتغال بخش خدمات در مقایسه با حوزه‌های صنعت و کشاورزی این است که هزینه ایجاد شغل در بخش صنعت، گران‌تر است و به دلیل استفاده از ماشین‌آلات، نیروی انسانی کمتری به کار گرفته می‌شود. در عرصه کشاورزی هم به دلیل خشکسالی‌های اخیر، فصلی بودن برخی فعالیت‌های مرتبط با کشت و مکانیزه شدن عمده فعالیت‌ها، بخشی از نیروهای کار عملاً بیکار می‌شوند. به این واسطه بخش خدمات به دلیل تنوع فعالیت، هزینه و سرمایه کم و ریسک پایین‌تر نسبت به دو حیطه صنعت و کشاورزی مطلوبیت بیشتری برای کارجویان، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان دارد.

گزارش‌ها بیانگر این است که به‌طور کلی رشد شهرنشینی، افزایش میزان مشارکت زنان در بازار کار، نسبت جمعیت زیر ۱۴ سال به کل جمعیت، نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال به کل جمعیت و برخی موارد دیگر عوامل مؤثر بر رشد بخش خدمات در کشور محسوب می‌شوند. همچنین سیاست‌های دولت مانند مشوق‌های مالیاتی، یارانه‌ها و مقررات می‌تواند رشد اشتغال بخش خدمات را در مناطقی خاص تشویق کند یا کاهش دهد.



یارانه‌ها و کمک‌های مالی می‌توانند فعالیت‌های کشاورزی را تشویق کنند و بر توزیع اشتغال این حوزه اثر بخشی داشته باشند. تعرفه‌ها، موافقت‌نامه‌های تجاری و مقررات واردات و صادرات نیز از سیاست‌های کارای دولتی برای افزایش اشتغال در بخش کشاورزی است.

در حال حاضر، بخش کشاورزی با سهم ۱۵ درصدی از تولید ناخالص داخلی به دلیل برخی عوامل همچون خشکسالی و کاهش بارش‌های سالانه و افزایش آمار مهاجرت‌های روستا به شهر، سهم اندکی در میزان اشتغال در کشور دارد. نتایج پژوهش‌های دانشگاهی در زمینه وضعیت اشتغال در این حوزه نشان می‌دهد که ظرفیت اشتغال پایدار و مولد براساس الگوهای برآوردی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی بر مبنای کشش اشتغال نسبت به سطح زیرکشت، رشد ارزش افزوده، روند فناوری تولید و انباشت سرمایه پایین است.

رفع این نقص نیازمند تغییر ترکیب شاغلان، تخصص‌گرایی، رونق فناوری اطلاعات و ارتباطات همراه با افزایش دانش‌آموختگان دانشگاهی در مناطق روستایی و به‌طور کلی جذب نیروی کار تازه‌وارد، از طریق انجام سرمایه‌گذاری‌های مکمل دولت در بستر کشاورزی است. توانمندسازی زنان و جوانان از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مناطق روستایی نیز می‌تواند در بهبود جذب نیروی کار مناطق روستایی و حفظ سطح اشتغال پایدار مفید واقع شود.

آتیه‌نو بررسی می‌کند

ارزیابی پراکندگی اشتغال در بخش‌های مختلف اقتصادی برای سیاست‌گذاران، کسب‌وکارها و محققانی که هدف آن‌ها توسعه متعادل منطقه‌ای و رشد اقتصادی است، بسیار مهم جلوه می‌کند. در همین حال بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی تحت تأثیر



مطالعات نشان می‌دهد که عوامل مؤثر بر پراکندگی اشتغال چندوجهی است و ابعاد اقتصادی، فناوری، اجتماعی، سیاسی و محیطی را دربر می‌گیرد. با بررسی سیستماتیک عوامل مذکور، ذی‌نفعان امکان درک بهتر چالش‌ها و فرصت‌های منحصربه‌فرد و ایجاد استراتژی‌های هدفمند برای ارتقای اشتغال پایدار و تاب‌آوری اقتصادی را دارند.

پراکندگی اشتغال در صنعت

پراکندگی اشتغال در بخش صنعتی تحت تأثیر عوامل مختلفی از اقتصادی و تکنولوژیکی گرفته تا اجتماعی و سیاسی قرار دارد.

در دسترس بودن منابع و مواد اولیه شامل حمل‌ونقل، انرژی، دسترسی به بازارهای مصرف‌کننده و فرصت‌های تجاری، توان پرداخت هزینه‌های دستمزد و مزایای نیروی کار، حضور نیروی کار ماهر، زیرساخت‌های جاده‌ای، ریلی و بندری و شبکه‌های ارتباطی و لجستیکی از عوامل اقتصادی محسوب می‌شوند.

در زمینه فناوری نیز پیشرفت در اتوماسیون و ماشین‌آلات بر پراکندگی اشتغال مؤثر است. این در حالی است که نزدیکی به مؤسسات تحقیقاتی و مراکز نوآوری روند دسترسی به فناوری‌های به‌روز را تسریع می‌کند.

علاوه بر موارد اشاره شده، سطح شهرنشینی در یک منطقه در بعد اجتماعی نیز بر پراکندگی اشتغال صنعتی تأثیر می‌گذارد؛ چراکه مناطق شهری معمولاً زیرساخت‌ها و خدمات بهتری ارائه می‌دهند. در عین حال، مناطق با کیفیت زندگی بالاتر، ازجمله مدارس خوب، مراقبت‌های بهداشتی و امکانات تفریحی موجب جذب و حفظ کارگران شده و مکان صنعتی را متأثر می‌کنند.

علاوه بر عوامل اجتماعی و اقتصادی، سیاست‌های کلان حاکمیتی نقش زیادی در میزان پراکندگی اشتغال در بخش صنعت دارد. مشوق‌های مالیاتی، قوانین کار و سایر چارچوب‌های نظارتی، سیاست‌های تجاری و مهم‌تر از همه ثبات سیاسی و اقتصادی که با ریسک‌های کمتر مرتبط با سرمایه‌گذاری و عملیات ارتباط مستقیم دارد، زمینه را برای اشتغال در این حوزه فراهم می‌کند.

در سال‌های اخیر به دلیل اعمال تحریم‌ها و افزایش نرخ ارز و وابستگی بالای حوزه صنعت به واردات کالای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، توجه به اشتغال و کاهش بیکاری به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای

جامعه و اهمیت رفع دغدغه‌های ناشی از افزایش نرخ بیکاری به دنبال رشد و رونق بخش صنعت مورد تهدید قرار گرفته است. موضوع مذکور سبب کاهش تقاضای نیروی کار تمام‌وقت شده و سهم اشتغال ناقص را در بازار کار افزایش داده است.

پراکندگی اشتغال در کشاورزی

پراکندگی اشتغال در کشاورزی هم ناشی از عوامل تعیین‌کننده در راستای فرصت‌های رشد بخش مذکور و توزیع نیروی کار در این حوزه است. بر این اساس عوامل اصلی مؤثر بر پراکندگی اشتغال در حوزه فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی را به سه دسته عوامل محیطی و اقلیمی، عوامل اقتصادی، اجتماعی، فناوریانه و سیاست‌های دولتی و نظارتی تقسیم می‌کنند.

کیفیت خاک، آب‌وهوا و در دسترس بودن آب از عوامل تأثیرگذار اقلیمی بر بازار کار در بخش کشاورزی است. در عین حال دسترسی به بازار فروش و عرضه محصولات، هزینه نیروی کار و هزینه اجاره یا نگهداری زمین در زمره عوامل اقتصادی دخیل در وضعیت پراکندگی نیروی کار در حیطه کشاورزی است. این همه در شرایطی به نحو مطلوبی محقق می‌شود که فناوری در بخش کشاورزی همچون مکانیزه شدن ماشین‌آلات کشاورزی و استفاده از محصولات بهبودیافته، رشد پیدا کرده و در دسترس باشد.

از طرفی سیاست‌های حمایتی دولت نظیر پرداخت

الزامات ایمنی نیروی کار در فصول گرم سال

گزارش‌های مربوط به حوادث کار در سال ۱۴۰۱ حاکی از مرگ ۵ کارگر طی سال در اثر گرم‌زدگی است. موضوع گرمای زمین و گسترش آثار و عوارض فشار کار در فصول گرم در

وضعیت در ایران چگونه است؟

با وجود تأکید سازمان بین‌المللی کار مبنی بر انتقال زمان کار و شیفت‌ها به ساعات خنک‌تر روز، کاهش ساعت کار در روزهای بسیار گرم و اجرای پیش‌بینی‌های مربوطه برای مقابله با گرم‌زدگی و مواردی از این قبیل، هنوز بسیاری از کارفرمایان از عمل به این موارد سر باز می‌زنند و برخی گروه‌های خاص کارگری به‌ویژه در صنایع جنوب کشور بیش از سایرین در این شرایط آسیب می‌بینند.

گرچه در قانون کار به مسئله گرمای بیش از حد و تأثیری که بر سلامت کارگران می‌گذارد، به صراحت اشاره نشده، اما برخی از مواد قانون کار به این نکات پرداخته‌اند. در همین زمینه ماده ۸۵ قانون کار می‌گوید: «برای صیانت نیروی انسانی و منافع مادی کشور رعایت دستورالعمل‌هایی که از طریق شورای عالی حفاظت فنی (جهت تأمین حفاظت فنی) و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (جهت جلوگیری از بیماری حرفه‌ای و تأمین بهداشت کار و کارگر و محیط کار) تدوین می‌شود، برای کلیه کارگاه‌ها، کارفرمایان، کارگران و کارآموزان الزامی است.»

از طرفی، طبق ماده ۹۱ قانون کار، کارفرمایان و مسئولان کلیه واحدهای موضوع ماده ۸۵ این قانون مکلف هستند براساس مصوبات شورای عالی حفاظت

گزارش

گزارش همین سازمان در سال ۲۰۱۹ گویای این نکته است که اگر دما به بالای ۳۵ درجه برسد، عملکرد و توانایی‌های فیزیکی کارگر را محدود می‌کند و اگر به بالای ۳۹ درجه برسد، می‌تواند به خستگی ناشی از گرما به‌طور مداوم و در نهایت «مرگ کارگر» ختم شود. با روند افزایش دما، بدن نمی‌تواند این گرمای اضافه را تحمل کند؛ چیزی که آن را با نام استرس گرمایی یا فشار گرما می‌شناسند.

براساس تحقیقات انجام شده در نتیجه افزایش دما، ساعات کار جهانی، عمدتاً در بخش‌های کشاورزی و ساخت‌وساز، کاهش یافته است. طبق محاسبات ILO ضررهای اقتصادی ناشی از افزایش دما در حال رشد است. در سال ۱۹۹۵ استرس گرمایی چیزی در حدود ۲۸۰ بلیون دلار ضرر اقتصادی زده و ILO پیش‌بینی می‌کند این عدد در سال ۲۰۳۰ تا ۲/۴ تریلیون دلار افزایش خواهد یافت. بیشتر این زیان‌ها در کشورهای با درآمد کم اتفاق خواهد افتاد.

این در حالی است که بر مبنای اعلام سازمان بین‌المللی کار در اثر فاجعه آب‌وهوایی حدود ۸۰ میلیون نفر، عمدتاً در بخش کشاورزی، امکان کار را در اغلب فصول سال و در برخی مناطق از دست خواهند داد.